

فصلنامه تخصصی

اسلام و مطالعات اجتماعی

سال دوم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۳

مؤلفه‌های «خدامحوری» و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات

* منصور پهلوان

** عبدالهادی فقهی‌زاده

*** روح‌الله محمدی

چکیده

یکی از اصول مهم زیست متکی بر قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، «خدامحوری» است که در آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید شده است. بر اساس این اصل، کل نظام هستی از یک هستی محض و یکتا منشعب شده که ضرورت وجود او از ناحیه خود اوست. اگر مبنای زندگی فردی و اجتماعی بر اساس توحیدباوری و تقوای پیشگی باشد، بسیاری از مشکلات اجتماعی و خانوادگی از میان برمی‌خیزد؛ به این ترتیب که زندگی فرد تحت مدیریت و اراده خدا قرار می‌گیرد و در نتیجه تمسک به آن در حوزه فردی، خودفراموشی و خودخواهی از میان می‌رود و خوف از خدا، آرامش درونی، پایداری در مقابل گناه و فهم دین و بینش شریعت، جای آن را می‌گیرد. هم‌چنین در حوزه اجتماعی می‌توان کنترل رفتارهای جمعی، تعدیل حُب و بغض‌های اجتماعی، مردم‌دوستی و مهرورزی و بسط روحیه گذشت در حریم خانواده را از مهم‌ترین آثار اجتماعی آن برشمرد.

کلیدواژه‌ها

خدامحوری، مؤلفه‌ها و آثار خدامحوری، توحیدباوری، تقوا پیشگی.

pahlevan@ut.ac.ir

faghhizad@ut.ac.ir

roohollah.mohammadi88@gmail.com

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصول زیست اسلامی، «خدامحوری» است. این اصل جوهره‌ی اساسی رفتار یک فرد دین‌دار را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین وجه تمایز سبک زندگی اسلامی با دیگر سبک‌های زندگی به‌شمار می‌آید.

بر اساس این اصل، کل نظام هستی از وجود هستی محض و یکتای الهی منشعب شده است که ضرورت وجود او از ناحیه خودش است (نک: سوره فضلت، آیه ۵۳)؛ همه دیدگاه‌ها، شناخت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، باید بر پایه همین پایگاه فکری، یعنی «توحید» استوار باشد (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۸۱: ۸). مسئله محوری زندگی بر اساس معارف توحیدی و تقرب به درگاه الهی، در قرآن کریم هم مورد توجه قرار گرفته؛ چنان که خداوند، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم: ۶).

اگر مبنای زندگی بر اساس معارف توحیدی و اصل خدامحوری باشد، بسیاری از مشکلات اجتماعی و خانوادگی از میان می‌رود (نک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵: ۶۸۸)؛ زیرا ارتباط خالصانه با خداوند یکتا موجب می‌شود تا ملائکه رحمت الهی بر بنده و خانواده او نازل شوند و آرامش و سکون را به آن‌ها هدیه کنند (سوره فضلت، آیه ۳۰).

از مهم‌ترین مشکلات سبک زندگی در عصر کنونی، انسان‌محوری در مفهوم جدید آن با محوریت عقل بشری و منقطع از وحی است که نتیجه آن دوری از خدا و در حاشیه قرار گرفتن خداوند در زندگی است (سوره حج، آیه ۱۱). از این رو، تا نگره انسان معاصر درباره خدا و آدمی اصلاح نشود، بحرآن‌های فردی و اجتماعی رو به افزایش خواهد بود. بنابراین، این نوشتار با تکیه بر آیات و روایات و با استفاده از توصیف و تحلیل به روش کتابخانه‌ای، ضمن مفهوم‌شناسی و بیان مؤلفه‌های خدامحوری، به تبیین آثار فردی و اجتماعی آن در زندگی می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی

از کلمه «خدا» تعاریف مختلفی ارائه شده است. از جمله «آنچه که دارای مفهوم نهایی است و سرچشمه همه چیز و بالاترین ارزش‌ها و منبع تمام ارزش‌های دیگر است. خدا همان است که شایسته‌ترین هدف و مقصود زندگی است» (هوردرن، ۱۳۶۸: ۱).

خدای مورد نظر در این نوشتار، خدایی است که ویژگی‌های خاصی دارد؛ شامل هر امر متافیزیکی و یا حتی خدای هر دین الهی و آسمانی نمی‌شود؛ بلکه تنها خدای معرفی شده

قرآنی مورد نظر است و نه حتی خدای فیلسوفان، عارفان یا فقیهان مسلمان. معادل واژه خداوند در قرآن کریم کلمه «الله» است و اصل آن «اله» و مخصوص باری تعالی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲)، اله یک معنای اصلی دارد و آن «پرستش» است. بنابراین، «إله» همان «الله» تبارک و تعالی است، چون خداوند مورد پرستش است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۲۷). در قرآن کریم، خداوند یگانه و بی‌نیاز است، فرزندی ندارد و فرزند کسی نیست، شریکی برای او نیست، جز او خدایی وجود ندارد (سوره توحید، آیه ۱-۵)، آفریننده تمام هستی است (سوره زمر، آیه ۶۲؛ سوره رعد، آیه ۱۶)، خالق آسمان و زمین (سوره انعام، آیه ۱ و ۷۳)، و نیز مالک آنها است (سوره بقره، آیه ۱۰۷؛ سوره آل عمران، آیه ۱۸۹) اوست که انسان را آفریده (سوره علق، آیه ۲؛ سوره رحمن، آیه ۳) و به او عقل داده است (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۲۱۵).

بنابراین، می‌توان گفت «الله» برترین و کامل‌ترین موجود است و بالاتر و عالی‌تر از او وجودی نیست؛ ذات قابل پرستش و ستایشی که غیر قابل درک است (سوره انعام، آیه ۱۰۳). وجودی که هرگز نمی‌شود فهمید اصل آن چیست، اما از آثار و نشانه‌هایش می‌توان فهمید که هست. چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كُلُّ دُونِ صِفَاتِهِ تَحْسِيسُ الصِّفَاتِ، وَضَلَّ هُنَاكَ تَصَارِيفُ اللَّغَاتِ» (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۸). به همین خاطر است که می‌فرماید: «تَفَكَّرُوا فِي آلَاءِ اللَّهِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ» (کبیر مدنی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۹۶). چگونگی و چیستی آن هرگز مشخص نمی‌شود، چون چگونگی و چیستی در باره مخلوق تعریف می‌شود.

با توجه به این اوصاف می‌توان گفت «الله»، اسمی است برای نامیدن وجود حقی که جامع تمام صفات الهی و کمال مطلق و نامحدود است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۰۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۲)؛ زیرا هر وجود و موجود دیگری، هستی‌اش از او و وابسته به اوست (سوره فاطر، آیه ۱۵). هرگز شبیه و مانندی ندارد تا به واسطه آن درک شود، با این حال، شنوا و داناست (سوره شوری، آیه ۱۱)، اندازه و نهایی ندارد، با هر چیزی هست، بدون پیوستگی با آن چیز، و سوای هر چیز است، بدون گسیختگی از آن. آغازی ندارد، هیچ زمانی پیش از او نیست و دورانی بر او مقدم نبوده و کم و زیاد شدن در مورد او معنا ندارد و به کلمه کجا و برای چیست، وصف نمی‌شود و مکانی ندارد. چیزی از او پنهان نیست و او عالم به همه چیز است (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۹-۴۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۹۹). در تفکر قرآنی «خداوند»، محور همه چیز است؛ یعنی تمام تصورات و معانی، گرد همین مفهوم مرکزی و از آن متأثر می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۶۸: ۴۶).

محور، به معانی گوناگون از جمله قطب، مدار، مرکز، اساس، پایه، مبنا، راه و خط مفروض آمده است (خداپرستی، فرهنگ واژگان مترادف و متضاد، ذیل واژه محور).

از این رو، «خدامحوری» یعنی: «انجام و یا قصد انجام کلیه اعمال و رفتار انسان، بر اساس ملاک و معیارهایی که خداوند تعیین کرده است، برای کسب رضایت الهی» (مشایخی‌راد، ۱۳۸۱: ۵۴). انسان خدامحور در دیدگاه اسلام، انسانی است که در عقاید، اخلاق، فقه، حقوق و دیگر شئون خود موحدانه بیندیشد و موحدانه عمل کند، در غیر این صورت، از حقیقت حیات انسانی بهره ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۷). از این رو، تمام انتخاب‌ها و گزینش‌ها باید به گونه‌ای صورت پذیرد که رضایت خداوند در آن لحاظ شود، تا جایی که فرد بدون کسب رضایت الهی به هیچ عملی اقدام نکند. بر اساس جهان‌بینی توحیدی، جهان بر اساس یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر بودن وجود و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آن‌ها استوار است (مطهری، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۳). بدین جهت است که قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرًا نَأْتِي السَّلِيمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۷۱).

۲. مؤلفه‌های خدامحوری

۱.۲. توحید باوری

توحید، از ریشه «وحد»، به معنای «یکی گفتن» (بیهقی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۵۹۲)، «یکی ساختن چیزی و حکم به یکتایی آن» (یسوعی، ۱۳۶۲: ۸۹۰؛ جرجانی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۹۶) و در اصطلاح، خداوند را به ربوبیت شناختن و به وحدانیتش اقرار داشتن و اضداد و امثال را از او نفی کردن است (همان). توحید در اصطلاح، بدین معناست که خداوند یگانه بوده، هیچ مثل، مانند و شریک و همتایی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۰۱). حال اگر کسی به چنین شناختی برسد، می‌یابد که خدا اجزایی ندارد و از این رو، به هیچ موجودی نیازمند نیست و همه به او نیاز دارند (سوره فاطر، آیه ۱۵)، او مبدأ و خالق اشیاء است (سوره رعد، آیه ۱۶) و موجودات همه از اویند و به او باز می‌گردند (سوره شوری، آیه ۵۳). پس در مرتبه وجود خدا، موجودی نیست (سوره واقعه، آیه ۴) و او با همه اشیاء است و اشیاء با او نیستند (سوره شوری، آیه ۱۱) و خداوند از صفات مخلوقین مُنزه است (سوره صافات، آیه ۱۸). نتیجه این که اگر کسی در عمق جاننش این توحید را بیابد و بدان معتقد باشد، خود را محتاج و مخلوق می‌بیند و خدا را مراقب اعمال خود می‌یابد و این که بالاخره در محضر اوست و چنین انسانی با توجه به نکات پیش گفته، مرتکب گناه نمی‌شود و دستورات خداوند را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهد و خود را آلوده نمی‌کند و خود و زندگی خود را از منجلاب فساد بیرون می‌آورد (مصباح یزدی، بی تا: ۱۲۳).

کسی که در عبادات موحد است و تنها خدا را سزاوار پرستش می‌داند، از اسارت شهوت

و مقام و مال و مخلوقاتی مثل خود، آزاد می‌شود، یعنی دیگر معبود او و هدف او در زندگی چیزی غیر از خدا، نیست و از این رو، به خاطر غیر خدا، حاضر نیست ذلت را قبول کند. پس توحید، روح آزادگی را در انسان می‌دمد و انسان را آزاد می‌گرداند و چنین انسانی دیگر فرمان‌بر زور و زر نیست (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۸). در نتیجه، می‌توان گفت انسانی که معتقد به جهان‌بینی توحیدی است می‌داند که تمام کارها به دست خداست و دیگر از چیزی یا کسی نمی‌ترسد و می‌گوید تا او نخواهد کسی نمی‌تواند به من ضرری وارد کند و از این رو، در مقابل هر زورگویی می‌ایستد (نک: سوره بونس، آیه ۶۲) و از هیچ کمبود و نقصانی نمی‌ترسد (نک: سوره جن، آیه ۱۳).

کسی که اعمال خود را خالصانه انجام می‌دهد به دنبال تایید و تشویق دیگران نیست و یا از تهدید و حتی عدم توجه دیگران دل‌زده و دل‌سرد نمی‌شود (سوره مائده، آیه ۵۴). از این رو، در زندگی یک هدف را پیش روی خود قرار داده و آن جلب رضای خدا و رسیدن به کمالات الهی است که در پرتو خدامحوری و عمل به دستورات ذات اقدسش حاصل خواهد شد.

۲.۲. تقوا پیشگی

از دیگر واژه‌هایی که در حیطه خدامحوری گنجانده می‌شود، «تقوا» است. تقوا در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق العاده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴۰۲). تقوا صفتی است که انسان را از گناه و نافرمانی خداوند متعال، بازمی‌دارد و طاعت و بندگی او را برمی‌انگیزاند. به شخص متّصف به این صفت، «متقی» گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۱-۵۳۰). «تقوی» در آموزه‌های اسلامی به معنای حفظ خویشتن از مطلق محظورات است؛ اعم از محرّمات و مکروهات. برخی ترک بعضی از مباحات را نیز در تحقق این معنا لازم دانسته‌اند (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۸: ۴۴۶). چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، وجه نام‌گذاری پرهیزگار به متقی را، انجام ندادن برخی از مباحات به انگیزه پرهیز از حرام‌ها دانسته است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۸۳؛ نوری، ۱۴۰۸: ۲۶۷).

از این رو، پروا پیشگان، جلال و بزرگی، یاد، محبت، ایمان و رضای باری تعالی در سراسر زندگی‌شان پرتو افکنده است. امام علی علیه السلام در خطبه همام چنین می‌فرماید: «... عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۰۳، خطبه ۱۹۳). ایشان، حقیقتاً به خداوند ایمان دارند (سوره بقره، آیه ۱۷۷) و از نثار کردن جان، مال در راه خدا هیچ باکی ندارند: «لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ»

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ»
(توبه: ۴۴ - ۴۵).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات، جهاد در راه خدا با جان و مال را از لوازم ایمان واقعی برشمرده‌اند؛ زیرا ایمان آدمی را به تقوا وامی‌دارد و داشتن چنین ایمانی نسبت به وجوب جهاد بصیرت، به وجود می‌آورد و همین بصیرت نمی‌گذارد که در امر جهاد، تناقل و کاهلی کند تا چه رسد به این که از ولی امر خود اجازه تَخَلُّف و معافیت از جهاد بخواهد. برخلاف منافق که به هنگام سختی و دشواری که پای جان و مال در میان است، دلش می‌خواهد به هر وسیله ممکن طفره برود و خود را کنار بکشد و برای این که از رسوایی خود نیز جلوگیری کند و صورت قانونی بدان بدهد، از ولی امرش درخواست معافیت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۳۸۸).

خداوند در زندگی دنیوی، کلمه تقوا و سکینه را نصیب متقین و مؤمنین می‌کند (سوره فتح، آیه ۲۶)، متقین در مشکلات، سختی‌ها و القائنات نفس و شیطان، خداوند یگانه و بی‌همتا را یاد می‌کنند (سوره اعراف، آیه ۲۰۱). آری، اینان همان متقینی هستند که یاد خداوند باری تعالی سراسر وجودشان را فرا گرفته و شب و روزشان را با یاد خدا به سر می‌برند: «يُضْحِكُ وَهَهُمُ الدُّكْرُ...» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۰۵، خطبه ۱۹۳). خدا محوری آن‌قدر در وجودشان رسوخ یافته که حتی در کارهای روزمره خود نیز با یاد خدا و پروای خداوندی حرکت می‌کنند (نک: همان: ۳۸۰، نامه ۲۵). تقوای پیشگان نسبت به خداوند خوف و خشیت دارند (سوره انبیاء، آیه ۴۸ - ۴۹)، خوفی همراه امید (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۰۴، خطبه ۱۹۳). آری، اهل تقوا به جهت شناخت اصیل و عمیق‌شان از باری تعالی، دلی خاشع دارند (همان).

تقوای پیشگان با تمام وجود با خدا هستند و خداوند نیز یاری‌رسان آن‌هاست (سوره نحل، آیه ۱۲۸؛ سوره بقره، آیه ۱۹۴؛ توبه، آیه ۳۶ و ۱۲۳). از این‌رو، خدا همیشه یار و یاور متقین است و این رابطه دوسویه است (جائیه، آیه ۱۹)؛ ایشان، در دین و راه خدا استوار و محکم هستند؛ چون ایمان آن‌ها با تقوا و یقین قلبی همراه است و با وسوسه‌های شیطان و ظواهر دنیا خللی در دینشان وارد نخواهد آمد، از این‌رو، «دینش محفوظ است» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۰۵، خطبه ۱۹۳). آنان با تقوا به یاد و ذکر و یاری خدا هستند و نیز در پی آن از غفران، محبت، رحمت و رضای الهی برخوردار هستند. آنان اهل گناه و معصیت نیستند، اما اگر گناهی از آنان سرزند، خداوند گناهان تقوای پیشگان را به سبب پروایشان می‌آمرزد (نک: طلاق، آیه ۵؛ سوره مائده، آیه ۹۳؛ سوره انفال، آیه ۲۹؛ سوره آل عمران، آیه ۱۳۳ و ۷۶ و سوره توبه، آیه ۴).

«پیامد تقوا، برخورداری از رحمت الهی است (نک: سوره اعراف، آیه ۱۳). تقوای عاشقانه، فرد را به دریای رحمت بی‌منتهای الهی می‌رساند. از مصادیق این رحمت، برکت در روزی و بهره‌وری از نعمت خدا داد (نک: سوره طلاق، آیه ۲-۳) و نیز فهم حقیقی کتاب‌های الهی از جمله قرآن کریم (سوره بقره، آیه ۲)، انجیل و تورات (سوره مائده، آیه ۴۶)، است و متقی از درک و فهمی ویژه برخوردار است (سوره اعراف، آیه ۱۶۹؛ سوره انعام، آیه ۳۳)، که بدین وسیله از دیگران متمایز می‌گردد (سوره انفال، آیه ۲۹)» (جودوی، ۱۳۸۱: ۱۰۵). از این رو، کسی که خدا را دارد، همه چیز دارد و کسی که خدا ندارد، هیچ چیز ندارد: «مَا ذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ!؟» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۹).

بدین صورت، تقوای الهی رابطه بنده با خداوند را محکم‌تر می‌کند و یاد و ذکر او را در دل زیاد گردانیده و نیز موجب یاری کردن خدا و استواری در دین می‌شود. هم‌چنین گناهان آمرزیده می‌شود و از رحمت و محبت خدا برخوردار خواهد شد و اوج این نعمت‌ها در رضای خداست (سوره آل عمران، آیه ۱۵).

از این رو، وقتی تقوای پیشگی با توحیدباوری همراه شد، یعنی زندگی با اندیشه توحیدی به کمک نیرو و محرکه‌ی تقوا به حرکت در آمد، به عبارت دیگر هم‌اندیشه‌خداایی شد و هم رفتارها الهی، «خدامحوری» شکل گرفته است.

۳. آثار خدامحوری

۱.۳. آثار فردی خدامحوری

۱.۱.۳. حضور جلوه‌های تدبیر الهی در زندگی

یکی از مهم‌ترین آثار خدامحوری، اداره شدن زندگی فرد تحت مدیریت و اراده خداست. هنگامی که تمام توجه بنده، خداوند باشد و تنها در جهت پرستش و رضایت او گام بردارد و دوست دارد آن‌گونه باشد که خدا می‌پسندد، خداوند هم مدیریت زندگی او را به عهده می‌گیرد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که خداوند می‌فرماید:

هرگاه دل بنده‌ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم را به‌جا می‌آورد، قوام و پایداری زندگی او و اداره امور او را به‌عهده می‌گیرم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲: ۱۳۶).

چنان‌که قرآن کریم درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله که مأمورش کرده مردم را به سوی حق دعوت کند، دعوتی که مستلزم تحمل اذیت‌ها و آزارهاست، می‌فرماید: «وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا» (طور: ۴۸).

منظور از «فَأَنْتَكَ بِأَعْيُنِنَا» این است که تو زیر نظر ما هستی و ما از تو غافل نیستیم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۵۷)، یا اینکه تو در حفظ و حراست ما هستی، چون کلمه «عین» به طور مجاز و کنایه در حفظ استعمال می‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴: ۴۰).

خداوند در جای دیگر درباره حضرت موسی عليه السلام می‌فرماید: «وَلِئَلَّصَّنَّ عَلَيَّ عَيْنِي» (طه: ۳۹). چنان‌که ساحت پروردگار پیوسته موسی را حفظ و حراست می‌فرمود، با اینکه فرعون دشمن پروردگار و نیز دشمن سر سخت او بوده اما با این حال، موسی پیوسته در رفاه و آسایش به سر می‌برد؛ زیرا وقتی که خداوند کسی را زیر نظر بگیرد، آسایش او را تأمین می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۹).

۲.۱.۳. رهایی از خود فراموشی

خداوند در سوره مبارک حشر خطاب به مؤمنین، بعد از پیشه کردن تقوای الهی و عاقبت‌نگری در کارهایی که انجام می‌دهند، آنان را از خدا فراموشی و در نتیجه خود فراموشی بر حذر می‌دارد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ...» (حشر: ۱۸ - ۱۹).

خمیر مایه تقوی دو چیز است: یاد خدا یعنی توجه به مراقبت دائمی الله و حضور او در همه جا و همه حال؛ و توجه به دادگاه عدل خداوند و نامه اعمالی که هیچ‌کار صغیر و کبیری وجود ندارد، مگر این‌که در آن ثبت می‌شود و به همین دلیل توجه به این دو اصل (مبدأ و معاد) سرلوحه برنامه‌های تربیتی انبیاء و اولیاء قرار داشته و تاثیر آن در پاک‌سازی فرد و اجتماع کاملاً چشمگیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۵۴۰).

فراموش کردن خدا، سبب «خود فراموشی» می‌شود در حقیقت، فراموشی خداوند، ترک شکر، ترک ذکر الهی و ترک طاعت در بندگی را نیز به همراه دارد؛ زیرا از یک سو فراموشی پروردگار سبب می‌شود که انسان در لذات مادی و شهوات حیوانی فرو رود و هدف آفرینش خود را به فراموشی بسپارد و در نتیجه، از ذخیره لازم برای فردای قیامت غافل بماند. از سوی دیگر، فراموشی خدا، فراموش کردن صفاتی چون هستی مطلق و علم بی‌پایان و بی‌نیازی مطلق و وابسته بودن همه موجودات به اوست و همین امر سبب می‌شود که انسان خود را مستقل و بی‌نیاز شمرد و بر نفس خود اعتماد کند. با این‌که باید به پروردگارش اعتماد نموده و از او ترسان و به او امیدوار باشد و این‌ها همه عامل اصلی فسق و فجور و بلکه این «خود فراموشی» بدین مصداق، خروج از طاعت خداست (همان، ج ۲۳: ۵۴۱).

امام رضا عليه السلام در بیان حکمت عبادت می‌فرماید:

لِيَلَّا يَكُونُوا نَاسِيْنَ لِذِكْرِهِ وَلَا تَارِكِيْنَ لِأَدْبِهِ وَلَا لَاهِيْنَ عَنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ إِذْ كَانَ فِيهِ

صَلَاتُهُمْ وَ قِيَامُهُمْ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۰۳).

از این رو، کسی که به توحید عبادی اعتقاد دارد و در عمل، اخلاص می‌ورزد، با یاد خداوند زندگی را می‌گذراند و دچار خدا فراموشی و در نتیجه خود فراموشی نمی‌شود.

۳.۱.۳. خوف از خدا

در زندگی فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی، محرک اصلی در بیشتر رفتارها و اعمال انسان، ترس است. به خاطر نقش تربیتی ترس از خدا در رفتار انسان، یکی از اهداف رسالت انبیاء الهی انذار - در کنار «تبشیر» - معرفی شده است: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر: ۲۴).

گرچه دعوت پیامبران الهی، هم شامل بشارت به رضوان و بهشت الهی بود و هم بیم دادن از کیفر گناهان و عصیان خداوند، اما در هیچ جای قرآن خداوند نفرموده «إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا بَشِيرٌ» و ذکر صفت «نذیر» در ذیل آیه بالا، به عنوان صفت عمومی برای همه پیامبران، حاکی از تأثیر همگانی و کارساز بیم دادن از عذاب الهی است... [حتی] در تحقیقات و روش‌های علمی و هم با تجربه‌های عادی ما ثابت شده است که عامل محرک انسان در بیشتر کارها ترس است و می‌توان گفت در نود درصد موارد، ترس باعث تحریک و تلاش انسان می‌شود و ده درصد رفتار ما از وعده پاداش یا جلب منفعت سرچشمه می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۴). بر اساس روایات، یکی از نعمت‌های الهی، خدا ترسی است که اگر نصیب بنده شود، آثار ارزشمندی در زندگی او خواهد داشت؛ اما زینت‌های زندگی دنیایی از یک سو و مکائد شیطان قسم خورده از سویی دیگر، خدا ترسی را از انسان می‌گیرد (صدیقی، ۱۳۹۲: ۵۲).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

در تورات آمده است که خداوند وعده داده است، دل کسی که خود را وقف عبادت خالصانه او نماید، از نعمت خوف خویش پر سازد: «فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ: ابْنِ آدَمَ تَقَرَّعْ لِعِبَادَتِي، أَفْأَلًا قَلْبِكَ خَوْفًا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۲۱۴؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۱۶۶ و فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۳۵۵).

بنابراین، در نظر داشتن رضای خداوند در کارها، موجب ترس آگاهانه از خدا می‌شود و این ترس آگاهانه باعث می‌شود که انسان به طرف گناه نرود؛ زیرا اگر کسی معرفت حقیقی نسبت به خدا پیدا کند و جایگاه خود را در جهان هستی دریابد، دست به کارهایی که موجب دوری از خدا می‌شود، نمی‌زند.

۴.۱.۳. ترک خودخواهی و خودشیفتگی

منیت به معنای تکبر و غرور، استکبار، برترمنشی، بزرگ منشی، خودپرستی، خودبینی و ستایش از خود است و به کسی که از خود راضی، خودبین و خودپرست باشد، «خودخواه» گویند (دهخدا، ۱۳۸۵، ذیل واژه منیت). از آن‌جا که عُجب و خودخواهی غالباً ناشی از نادانی و شناختن قدر و جایگاه انسان در پیشگاه خداست، نخستین گام درمان این بیماری، شناخت خویشتن و آشنایی با پروردگار است. چنان‌چه انسان، پروردگار خود را بشناسد و بداند که عظمت، جلال و عزت تنها از اوست و آدمی و تمامی عبادت او در مقابل او حقیر و ناچیزاند، دیگر به برخی رفتارها و کارهای خود افتخار نمی‌کند و خود را حقیر می‌شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۶۹). بنده موحد حتی نسبت به آن‌چه از مال دنیا در اختیار اوست، احساس مالکیت ندارد و همه چیز را از آن خداوند و ابزار بندگی او می‌داند. این بینش توحیدی، یکی از مهم‌ترین بنیان‌های اخلاق نیکو و رفتارهای شریعت‌پسند است (صدیقی، ۱۳۹۲: ۵۳)؛ به همین جهت است هنگامی که عنوان بصری از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: «حقیقت عبودیت چیست؟»، حضرت این‌گونه پاسخ می‌دهند که سه چیز است: این‌که بنده خدا برای خودش درباره آن‌چه را که خدا به وی سپرده است ملکیتی نبیند؛ چرا که بندگان دارای ملک نیستند، همه اموال را مال خدا می‌بینند و در آن‌جا که خداوند ایشان را امر نموده است که بنهند، می‌گذارند؛ و این‌که بنده خدا برای خودش مصلحت‌اندیشی و تدبیر نکند و تمام مشغولیاتش در آن منحصر شود که خداوند او را بدان امر کرده یا از آن نهی فرموده است (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۱۴۹).

بنابراین، اگر بنده خدا برای خودش ملکیتی را در آن‌چه خداوند به او سپرده است نبیند، انفاق نمودن در آن‌چه خداوند تعالی بدان امر کرده است بر او آسان می‌شود و چون بنده خدا تدبیر امور خود را به مُدبّرش بسپارد، مصائب و مشکلات دنیا بر وی آسان می‌شود و زمانی که به آن‌چه را که خداوند به وی امر کرده و نهی نموده، اشتغال ورزد، دیگر فراغتی از آن نمی‌یابد تا مجال و فرصتی برای خودنمایی و فخرفروشی پیدا کند. از این‌رو، بنده‌ای که خدا را شناخت و تنها او را شایسته پرستش یافت، تنها خداخواه است و به خواسته‌های او می‌اندیشد و از منیت‌ها و خودخواهی‌ها دور می‌شود.

۵.۱.۳. تقویت پایداری در مقابل گناه

ایمان به خدا و یاد او در همه حال و اعتقاد به این‌که همه در محضر خداییم، از اساسی‌ترین اهرم‌های بازدارنده از گناه است. نقشی که این عقیده در کنترل انسان و جلوگیری از طغیان

غرایز حیوانی دارد، هیچ چیزی ندارد و قدرت ایمان به خدا و یاد او در ریشه کن کردن گناه از همه قدرت‌ها نیرومندتر است. ایمان به خدا و اعتقاد به آگاهی او بر همه چیز و حضور او در همه جا، چنان نیرویی در انسان در برابر گناه به وجود می‌آورد که او را در برابر گناهان همچون سپری فولادین، نفوذناپذیر می‌کند. بر همین اساس در آیات و روایات بر نقش ایمان در بازداری از گناه بسیار تکیه شده است (قرائتی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). خداوند می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق: ۱۴). توجه به این واقعیت که هر کاری را انسان انجام می‌دهد در پیشگاه خداست، و اصولاً تمام عالم هستی محضر خداست و چیزی از اعمال و حتی نیات آدمی از او پنهان نیست، می‌تواند بر برنامه زندگی انسان بسیار اثر بگذارد و او را از خلاف کاری‌ها باز دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۱۶۷)؛ یعنی یک حالت خداترسی باطنی در انسان به وجود می‌آید که انسان را از گناه و حتی فکر و تصمیم بر انجام گناه باز می‌دارد. از این رو، وقتی فرد در اثر اعتقاد به خدا، از تربیت الهی بهره‌مند شود و از خودخواهی‌های رهایی یابد، زمینه انجام بسیاری از گناهان از بین می‌رود و نعمت سلامت از گناهان نصیب او می‌گردد (نک: جعفرین محمد، ۱۴۰۰: ۳۷).

۳.۱.۶. ازدیاد آرامش درونی

آرامش یعنی طمأنینه، تسکین و آسودگی خاطر (فیومی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۷۸) و در مقابل آن تشویش، نگرانی و اضطراب است. از نظر اسلام، آرامش و طمأنینه امری واقعی، حقیقی و دست‌یافتنی است. در متون قرآنی و روایی، راه‌های به دست آوردن آرامش بیان شده است (سوره توبه، آیه ۱۰۳؛ سوره رعد، آیه ۲۸؛ سوره طلاق، آیه ۲ - ۳؛ سوره روم، آیه ۲۱؛ سوره فتح، آیه ۴؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۹۱) و همین امر بهترین دلیل بر امکان دسترسی به آن است. قرآن کریم به عنوان یک قاعده کلی و اصل جاویدان و فراگیر می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

منظور از یاد و ذکر خدا که انسان با تمام قلب متوجه او و عظمتش، علم و آگاهی‌اش و حاضر و ناظر بودنش گردد و این توجه، مبدأ حرکت و فعالیت در وجود او به سوی جهاد و تلاش و نیکی‌ها گردد و میان او و گناه سدّ مستحکمی ایجاد کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۱۶) و این که انسان همیشه توجه و یقین داشته باشد که هیچ موجودی در عالم نمی‌تواند مستقل و جدا از «الله» وجود داشته باشد تا چه رسد به این که بتواند منشأ اثر باشد: «تمام عزت از اوست» (سوره نساء، آیه ۱۳۹) و تمام قدرت و ملک و هستی از اوست. عزت و ذلت بندگان نیز به دست اوست. او بر همه چیز تواناست (سوره آل عمران، آیه ۲۶)؛ چنین انسانی هیچ نگرانی،

خوف و حزنی ندارد (سوره بقره، آیه ۳۸). آری، اگر انسان با تمام وجودش باور داشته باشد که هیچ دگرگونی و قدرتی در عالم نیست، مگر این که وابسته به خداوند بزرگ است، دیگر دغدغه و اضطرابی نخواهد داشت.

زندگی بر اساس محوریت خدا و انجام اعمال مذهبی، تأمین کننده آرامش روان است و این مطلب را افزون بر آیات و روایات، برخی از پژوهش‌های تجربی و روان‌شناختی نیز تأیید می‌کنند. «کارل یانگ» روان‌کاو مشهور می‌گوید:

در طول سی سال گذشته افراد زیادی از ملیت‌های مختلف جهان متمدن با من مشورت کردند و من صدها تن از بیماران را معالجه و درمان کرده‌ام اما از میان بیمارانی که در نیمه دوم عمر خود به سر می‌برند (یعنی از سی و پنج سالگی به بعد) حتی یک بیمار را ندیدم که اساساً مشکلش نیاز به گرایش دینی در زندگی نباشد. به‌جرات می‌توانم بگویم که تک‌تک آنان به این دلیل قربانی بیماری روانی شده‌اند که آن چیزی را که ادیان موجود در هر زمان به پیروان خود می‌دهند، نداشتند و تک‌تک آنان فقط وقتی به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشته بودند، به طور کامل درمان شدند» (نجاتی، ۱۳۷۷: ۳۶۶).

یکی از علل ناآرامی‌ها در انسان، تضاد خواسته‌هاست؛ یعنی امیال مختلف انسانی، هر یک انسان را به سویی می‌کشاند و پاسخ به هر یک، موجب از دست دادن و یا کم‌رنگ شدن دسترسی به خواسته دیگر می‌شود. این ناکامی‌ها، وجود آدمی را متلاطم می‌نماید؛ اما انسانی که به توحید عبادی، معتقد بوده و سبک زندگی خویش را بر اساس عبادت خداوند شکل داده است، همه خواسته‌هایش را با سنگ محک عبودیت می‌سنجد و آن چیزی را برمی‌گزیند که او را در این مسیر بهتر به پیش می‌برد. در این صورت، ناکامی‌ها و دشواری‌های دنیایی، او را نگران نخواهد کرد (صدیقی، ۱۳۹۲: ۵۲). رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِيَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَحْبَبَهَا بِقَلْبِهِ وَبَأَشْرَهَا بِجَسَدِهِ وَتَفَرَّغَ لَهَا فَهَوَّ لَا يَبَالِي عَلَيَّ مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَيَّ عُسْرٌ أَمْ عَلَيَّ يَسْرٌ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۲۱۵؛ ابن‌اشعث، بی‌تا: ۲۳۲).

از این رو، بنده موحد با اخلاص در عمل، تنها به خدا می‌اندیشد و از بند توجه به خلائق و افکار و انظار ایشان رهایی می‌یابد (نک: کفعمی، ۱۴۰۵: ۳۶۸)؛ زیرا کسی که دلش با یاد خدا مطمئن و محکم شود، آرامش روحی و روانی پیدا می‌کند و هیچ هراسی از غیر خدا ندارد و امیدوار و آرام است و حتی می‌تواند به دیگران نیز آرامش ببخشد، چون متکی به قدرت و عظمت الهی است و انوار الهی در درونش رسوخ کرده است.

۲.۳. آثار اجتماعی خدا محوری

۱.۲.۳. کنترل رفتارهای اجتماعی

انسان خدامحور، تمام اعمال فکری، عبادی و علمی اش کنترل شده و در مسیر حق است و در هیچ زمینه‌ای از مسیر حق بیرون نرفته و اعمال او در راه خدا کنترل و جهت‌دهی می‌شود. امام علی علیه السلام خطاب به متقین می‌فرماید:

پس ای بندگان خدا! تقوای الهی را پیشه سازید، چونان تقوای خردمندی که تفکر دلش را مشغول داشت و بیم از عذاب، بدنش را رنجور ساخت و عبادت شبانه، اندکی خواب را نیز از او گرفت و امید به رحمت در اوج گرمای روز، تشنه‌اش نگاه داشت و بی‌میلی به دنیا از شهوات بازش داشت و ذکر حق زبانش را به حرکت واداشت. از پیش در دنیا ترسید تا در قیامت در امان باشد و از موانع پیمودن راه روشن هدایت کناره گرفت و برای دستیابی به راه مطلوب، میانه‌ترین طریق را پیمود و کبر و غرور، او را از مسیر صحیح باز نگرداند...» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۱۰۷-۱۰۸، خطبة ۸۳).

خدا باوران در عمل، به حدود و تکالیف الهی پای بنداند و احکام و مقررات اجتماعی که در آیات آمده را رعایت می‌کنند (سوره نساء، آیه ۱۳). به این ترتیب ایمان و یقین به خدا، حالتی را برای آنان به وجود می‌آورد که برنامه‌های خودسازی آنان در پرتو عبادت، در محیط محدودی خلاصه نمی‌شود و به افق خاصی تعلق ندارد، بلکه همه جا کانون عبودیت پروردگار و خودسازی و تربیت برای آنهاست (سوره توبه، آیه ۱۱۲). چنان ایمان در وجودشان رسوخ کرده که رفتارشان را کنترل می‌کند و آنان را از لغزش و گناه باز می‌دارد. نه تنها خودشان حدود را رعایت می‌کنند، بلکه در زمین سیاحت می‌کنند تا نیک بنگرند و عبرت بگیرند و ببینند که برای آبادانی زمین چه نیروهایی به کار رفته، انسان‌هایی را که خواستار هدایت‌اند، بشناسند و پیام حق را به آنان ابلاغ کنند و نفس خود را در راه خدا به رنج افکنند (جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۴: ۲۴۲). آنها پس از ادای امر به معروف و نهی از منکر، به آخرین و مهم‌ترین وظیفه اجتماعی خود، یعنی حفظ حدود الهی و اجرای قوانین او و اقامه حق و عدالت قیام می‌کنند. آنان در حقیقت، «الحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ» هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۵۳). ایشان بر این باورند که خدا همواره بر کارهای آنان حاضر و ناظر و از ظاهر و باطن آنان آگاه است (سوره توبه، آیه ۷۸). آنان با علم به این حضور، از دست‌زدن به گناه و تجاوز به حدود الهی همواره هراسناکند و خود را برای فردای قیامت آماده می‌سازند؛ روزی که نه مال و نه

فرزند، هیچ کدام به کار انسان نمی آید و تنها قلب سلیم و عمل صالح، توشه آخرت است. از این رو، با دقت و وسواس به کارهای خود می پردازند (حشر، آیه ۱۸).

خدامحوران در رفتارهای اجتماعی همواره با مردم گشاده رو هستند و به زبان خوش سخن می گویند (سوره بقره، آیه ۸۳). نیازهای برادران دینی را برآورده می کنند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۴۹۳).

در نتیجه، می توان گفت، باورهای اعتقادی، به ویژه اعتقاد به خدا و معاد، به رفتارهای اجتماعی جهت می دهد و ضامن اجرایی ارزش ها و هنجارهای دینی است و این ضمانت اجرایی، در کنترل جامعه و سلامت آن نقش به سزایی دارد.

۲.۲.۳. تعدیل حُب و بغض های اجتماعی

پیش تر گفتیم که یکی از مؤلفه های خدامحوری، توحیدباوری یا همان ایمان است. محبت پایه و محور ایمان است؛ چنان که «فضیل بن یسار» از امام صادق علیه السلام سؤال کرد:

عَنِ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ أَمِنَ الْإِيمَانُ هُوَ قَالَ وَهَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات: ۷) (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۶۲؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۲۴).

یا در روایت دیگری از آن بزرگوار نقل شده است که کسی که کافری را دوست بدارد خدا را دشمن داشته است و کسی که کافری را به دشمنی برگزیند، پس خدا را به دوستی برگزیده است. سپس حضرت این کلام را به صورت قاعده ای بیان فرمودند: «دوست دشمن خدا، دشمن خداست» (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۶۰۵).

قرآن کریم نیز به عنوان یک اصل رفتاری در روابط اجتماعی، جمع میان «محبت خدا» و «محبت دشمنان خدا» در یک دل را ممکن نمی داند و خطاب به مسلمانان می فرماید: از میان این دو یکی را برگزینند و از دوستی با دشمنان خدا پرهیزند و گرنه ادعای مسلمانی نکنند؛ «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ...» (مجادله: ۲۲).

در حقیقت، ایمان تحت جاذبه ای قرار گرفتن و از نفوذ جاذبه ای روی گردان شدن است. مؤمنان حقیقی و خداباوران به خاطر ایمانی که به خدا و روز جزا دارند با دشمنان خدا - هر چند پدر و یا پسر یا برادرشان باشد - دوستی نمی کنند. این سبک زندگی که آیه به آن تصریح دارد در اثر روح ایمانی است که خداوند از جانب خود به آنان داده است. بنابراین،

یکی از مهم‌ترین آثار اجتماعی خدامحوری، تنظیم و تعدیل حُب و بغض‌های اجتماعی است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَتُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَتُعْطَى فِي اللَّهِ وَتَمْنَعَ فِي اللَّهِ تَعَالَى» (مفید، ۱۴۱۳: ۱۵۱). در حدیث دیگری نیز آمده است: «لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا أَبَدًا حَتَّىٰ يَكُونَ لِأَخِيهِ مِثْلَ الْجَسَدِ» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۳۹). یعنی ایمان و خداباوری، جامعه را به صورت یک پیکر واحد در می‌آورد که درد یک عضو، اعضای دیگر را نیز به درد می‌آورد. ایمان می‌تواند میان مؤمنان محبت برقرار سازد و در دوستی و دشمنی توازن برقرار کند. از این‌رو، حب و بغض از اصول دینداری و معیاری برای ایمان واقعی است و بر اساس آن شناخت دوست از دشمن ممکن خواهد بود.

۳.۲.۳. بسط مردم‌دوستی و مهرورزی

از آثار خدامحوری و جاری شدن روح ایمان در زندگی، محبت به مردم و دوست داشتن آنان است. روح ایمان، موهبتی الهی است که از سوی خدای یگانه فرود آمده و در پیکر خدامحوران جای گرفته است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «إِنَّ رُوحَ الْإِيمَانِ وَاحِدَةٌ، خَرَجَتْ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَتَنْفَرُ فِي أَبْدَانِ شَتَّىٰ، فَعَلَيْهِ اتَّكَلْتُ وَبِهِ تَحَابَّتْ» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۹). بر اساس همین موهبت است که دوستی‌ها پدید می‌آیند. چنان‌که خداوند متعال انفال می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِبَضْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ * وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَ - كَنَّ اللَّهُ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (انفال: ۶۲-۶۳).

از نظر اسلام، دوستی و الفت با مردم، کاری خدایی (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۶: ۶۳۴)، اساس عقل (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۹۱)، نیمی از دین (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۶۰)، نصف عقل (ابن‌اشعث، بی‌تا: ۱۴۹)، نوعی خویشاوندی (سید رضی، ۱۴۱۴: ۵۰۶)، نزدیک‌ترین خویشاوندی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۱۳) و سودمندترین گنج‌ها (همان) شمرده شده است.

بنابر آموزه‌های اسلامی، تجلی - ات انس - انی در سایه اتح - اد و برادری نمایان می‌شوند؛ چرا که همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و «خدامحوری مبنایی است که برادری بر اساس آن شکل می‌گیرد و راهی برای تألیف قلوب است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱: ۳۹۴). از ویژگی‌های خدامحوران این است که با یک‌دیگر انس می‌گیرند و خانه‌شان محل رفت و آمد دوستان است (یعقوبی، ۲۵۳۶، ج ۲: ۳۷۷) و یک‌دیگر را دوست دارند (برقی، ۱۳۷۱: ۲۶۴). البته، در سبک زندگی اسلامی، در دوستی‌ها باید اعتدال باشد و دوستی

برای خدا باشد و یک‌دیگر را برای رضای پروردگار و بر اساس شایستگی‌های شخص، دوست داشت، نه بر اساس هواهای نفسانی و خواسته‌های شیطانی. از این‌رو، آن کس که شیرینی ایمان را چشیده و ایمان در وجودش نقش بسته است، خدا را دوست دارد و هر چه را دوست دارد به خاطر خدا دوست دارد و چیزی را بر دوستی خدا ترجیح نمی‌دهد.

۴.۲.۳. بسط روحیه مهربانی و گذشت در حریم خانواده

از دیگر آثار خدامحوری در زندگی، بسط روحیه مهربانی و گذشت است. چنان که در کلام امام علی علیه السلام و ویژگی و شاخصه ایمان، ملائمت و مهربانی معرفی شده است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۴). پیامبر رحمت و مهربانی نیز در قالب عبارتی زیبا، می‌فرماید: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ حُلُقًا وَأَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَأَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۸).

مهربانی و گذشت در زندگی عامل مؤثری در ایجاد جو آرام خانواده است و عدم رعایت این مسئله زمینه اضطراب و بدبینی، قهر، عصبانیت و عیب‌جویی را فراهم می‌کند. چنان که در روان‌شناسی این مسئله اثبات شده است که به هنگام بروز حوادث و وقایع تحریک‌کننده که به بحران و بروز خشم می‌انجامد، بدن انسان هورمون‌های استرس، مانند کورتیزول و آدرنالین ترشح می‌کند. کورتیزول مغز را خالی می‌کند و موجب نقصان سلول‌ها و از دست دادن حافظه، فشار خون و بالا رفتن قند خون، سفت شدن سرخرگ و در نهایت بیماری قلب می‌شود. با بخشش و عفو کردن از ترشح این هورمون‌ها جلوگیری می‌شود که دکتر «برومن مک اوین» - استاد روان‌شناسی دانشگاه راکفلر نیویورک - در یک مطالعه روان‌شناختی بر روی ۷۱ نفر، این مسئله را تأیید کرده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

هر چند انسان، در قبال تربیت صحیح خانواده خود مسئول است، اما قرآن کریم تأکید می‌کند که در برابر رفتار نادرست آنان، نباید شدت عمل نشان داد، بلکه باید در عین قاطعیت و حفظ ارزش‌ها، از عفو، محبت و گذشت در امر تربیت بهره گرفت. چنان که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغَفَّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن: ۱۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «مَنْ اتَّخَذَ رَوْجَةً فَلْيَكْرِمْهَا» (ابن اشعث، بی‌تا: ۱۵۷). ایشان در کنار احترام به همسر، گرامی داشتن فرزندان را نیز از پیروان خویش درخواست کرده و می‌فرمایند: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۳).

بنابر این ارشادات نبوی، انسان خدامحور افزون بر اینکه باید رابطه خوبی با همسرش داشته باشد با استفاده از اصل تکریم، محبت، دوستی و صمیمیت زندگی خویش را به پیش

برد؛ زیرا این احترام و محبت بر آن‌ها تاثیر گذاشته و هر یکی، دیگر را احترام نموده و سالیان متمادی در یک خانواده با هم زندگی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

۱. «خدامحوری» از مهم‌ترین اصول زندگی اسلامی است که در قرآن کریم و روایات بسیار بر آن تأکید شده است. خدامحوری به معنای انجام و یا قصد انجام کلیه اعمال و رفتارها بر اساس ملاک و معیارهایی که خداوند برای آن‌ها تعیین کرده برای کسب رضایت الهی است. این اصل جوهره اساسی رفتار یک فرد دین‌دار را تشکیل می‌دهد.

۲. از مهم‌ترین مولفه‌های خدامحوری، توحیدباوری و تقوا پیشگی است. اگر مبنای زندگی بر اساس خدامحوری باشد، بسیاری از مشکلات اجتماعی و خانوادگی از زندگی رخت برمی‌بندند یا به حداقل می‌رسد.

۳. از جمله آثار فردی «خدامحوری» در زندگی، اداره شدن زندگی فرد تحت مدیریت و اراده خدا، رهایی از خودفراموشی، ترک خودخواهی و خودشیفتگی، خوف از خدا، ازدیاد آرامش درونی، پایداری در برابر ارتکاب به گناه و آرامش خاطر است. همچنین کنترل رفتارهای جمعی، تعدیل حُب و بغض‌های اجتماعی، مردم‌دوستی و مهرورزی و بسط روحیه گذشت در خانواده از مهم‌ترین آثار اجتماعی خدا محوری به حساب می‌آیند.

کتابنامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا)، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان.
۴. _____ (۱۴۰۰ق)، الأملی، بیروت: أعلمی، چاپ پنجم.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ دوم.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، إقبال الأعمال (ط - القديمة)، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تحقیق: جلال الدین میر دامادی، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۹. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۸)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۱۰. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
۱۲. بیهقی، احمد بن علی (۱۳۶۶)، تاج المصادر، تهران: بی نا.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غرر الحکم ودرر الکلم، مصحح: مصطفی درایتی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۴. جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰)، التعریفات، تهران: ناصر خسرو.
۱۵. جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، بیروت: اعلمی.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم: نشر اسراء.
۱۷. _____ (۱۳۹۲)، امام مهدی (عج) موجود موعود، تحقیق: سیدمحمدحسن مخبر، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ یازدهم.
۱۸. جودوی، امیر (۱۳۸۱)، «پیامد اعمال در زندگانی با الهام از قرآن»، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۱.
۱۹. جمعی از مترجمان (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۰. حسینی، سید جواد (آبان و آذر ۱۳۸۳)، «نکته‌های شنیدنی»، مجله مبلغان، ش ۶۰، ص ۱۱۲-۱۱۶.
۲۱. واژه‌یاب، (فرهنگ آنلاین واژگان مترادف و متضاد) «واژه خداپرستی»
<http://www.vajehyab.com/motaradef/>
۲۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، لغت نامه، زیر نظر سید جعفر شهیدی و به کوشش غلامرضا ستوده، ایرج مهر کی و اکرم سلطانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۲۴. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، قصص الأنبياء عليهم السلام (للاوندی)، مشهد: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۲۵. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للسبجی صالح)، قم: هجرت.
۲۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۹ق)، منية المرید، محقق: رضا مختاری، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۷. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإختصاص، مصحح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۲۸. صدیقی، حسین (پاییز ۱۳۹۲)، «کارکردهای باور توحید عبادی در زندگی از دیدگاه آیات و روایات»، فصلنامه محفل، ش ۱۱، ص ۴۹-۵۵.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۳۰. طبرسی؛ فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.

۳۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۳۲. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، چاپ چهارم.
۳۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۳۴. فیومی، احمد بن محمد (۱۳۷۵)، مصباح المنیر، قم: دارالهجرة.
۳۵. قرائتی، محسن (۱۳۹۰)، «ریشه‌های گناه و راه کارهای مقابله با آن از منظر قرآن و روایات»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال دوم، ش ۵، ص ۹۹-۱۴۶.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۷. کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد (۱۴۰۹ق)، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۸. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ق)، المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقیة وجنة الإیمان الباقیة)، قم: دار الرضی (زاهدی)، چاپ دوم.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۴۲۹ق)، الکافی، مصحح: دارالحديث، قم: دارالحديث.
۴۰. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۴ق)، المؤمن، قم: مؤسسه الامام المهدي علیه السلام.
۴۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، محقق: جمعی از محققین، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۴۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲)، دائرةالمعارف قرآن کریم، ج ۸، قم: بوستان کتاب قم.
۴۳. مشایخی راد، شهاب الدین (۱۳۸۱)، «اصول تربیت از دیدگاه اسلام»، مجله روش شناسی علوم انسانی، ش ۳۲، ص ۵۰-۶۸.
۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، پندهای الهی، تدوین و نگارش: کریم سبحانی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم.
۴۵. _____ (بی تا)، خداشناسی در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، ج ۲، قم: صدرا.
۴۷. _____ (۱۳۷۷)، جهان بینی توحیدی، تهران: صدرا، چاپ پانزدهم.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، چاپ دوم.
۴۹. _____ (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۵۰. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی (۱۴۰۹ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اهل بیت: چاپ دوم.

۵۱. میرموسوی، سید علی و سید صادق حقیقت (۱۳۸۱)، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۲. نجاتی، محمد عثمان، (۱۳۷۷)، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه: عباس عرب، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵۳. نوری، المحدث میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۵۴. نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۵. هوردن، ویلیام (۱۳۶۸)، راهنمای هیات پروتستان، ترجمه: میکایلین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۶. یسوعی، لوئیس معلوف (۱۳۶۲)، المنجد، بیروت: دارالشرق.
۵۷. یعقوبی (۲۵۳۶ پهلوی)، تاریخ الیعقوبی، تحقیق و ترجمه: دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.